

تبیین جامعه‌شناختی تأثیرات سرمایه اجتماعی بر تعلقات سیاسی

بهرام نیکبخش^{۱*}، منصور شریفی^۲

۱. مربی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد گرمسار، سمنان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۳)

چکیده

در پژوهش حاضر، نقش سرمایه اجتماعی در ابعاد شبکه‌ای و هنجاری بر تعلقات سیاسی (اصلاح‌طلبی، اعتدال‌گرایی، اصول‌گرایی) مورد سنجش قرار گرفت. هدف پژوهش تعیین قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی شهروندان استان خوزستان طی سه دوره انتخابات ریاست‌جمهوری (۱۳۷۶، ۱۳۸۴، ۱۳۹۲) بود. بدین منظور، از ابزار پرسشنامه و آزمون‌های رگرسیون ساده و چندگانه، آزمون تی، تحلیل واریانس، و ارائه معادله ساختاری PLS به ترتیب در نرم‌افزارهای SPSS24 و SMART PLS3 استفاده شد. اطلاعات لازم با ۱۹۲۰ نمونه بالای هجده سال در سطح شهرستان‌های اهواز، آبادان، دزفول، ماهشهر، و اندیمشک با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای طبقه‌ای جمع‌آوری شد. برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها، معیار CR و آزمون KMO منظور شد. یافته‌های تحقیق نشان داد بین سرمایه اجتماعی در همه ابعاد با گرایش به طیف‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی رابطه معنادار وجود دارد. ولی این رابطه در گرایش‌های سیاسی اعتدال‌گرایی تأیید نشد. همچنین، بر اساس قطب‌نمای گرایش‌های سیاسی بیشترین تعلقات سیاسی مربوط به طیف اصلاح‌طلبی و کمترین مربوط به طیف اعتدال‌گرایی بود.

کلیدواژگان

استان خوزستان، سرمایه اجتماعی، گرایش‌های سیاسی، معیار شبکه‌ای، معیار هنجاری.

* رایانامه نویسنده مسئول: nikhakhsh.b@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

تقویت سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌تواند موجب استحکام پیوندهای اجتماعی شود و مهم‌ترین شرط ثبات سیاسی به شمار آید (پناهی و خوش‌فر ۱۳۹۰: ۹۱). گرایش سیاسی یکی از مسائل مهمی است که سراسر دنیا با آن روبه‌روست (میرزایی و جعفری ۱۳۸۸: ۸۸). گرایش‌های سیاسی^۱ و سرمایه اجتماعی^۲ آن دسته از شهرهای استان خوزستان که دارای دفاتر احزاب طیف‌های سیاسی رایج در کشورند می‌تواند بر تصمیمات سیاسی فردی و گروهی تأثیر بگذارد. در این زمینه از نگرش و الگوهای رأی‌دهی شهروندان استان خوزستان برای نامزدهای انتخاباتی سه طیف اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا و اصول‌گرا در انتخابات ریاست‌جمهوری، طی سه دوره ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲، استفاده شد تا گرایش‌های سیاسی در استان خوزستان بررسی شود. همچنین، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این مسئله بوده که در شهرهای برخوردار از سرمایه اجتماعی بالا مردم بیشتر به کدام طیف سیاسی گرایش دارند و این گرایش‌ها چقدر بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، قومیت، سکونت، شاخص SES^۳) در هر شهرستان متغیر است.

برای بررسی این موضوع، از اطلاعات پیمایشی رأی‌دهی شهروندان استان خوزستان (انتخابات ریاست‌جمهوری) درباره چگونگی آرای ریخته‌شده به صندوق در انتخابات ریاست‌جمهوری طی سه دوره مذکور بهره‌برداری شد. سپس، بررسی و سنجش لازم در زمینه گرایش‌های سیاسی شهروندان به عمل آمد تا نوع و جهت‌گیری سیاسی آرای واریزشده به صندوق‌های رأی برای نامزدهای انتخاباتی هر سه طیف اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا و اصول‌گرا معین شود. اطلاعات آماری کسب‌شده درباره آرای انتخاباتی با داده‌های مکتسبه سرمایه اجتماعی هر شهرستان به صورت جداگانه تطبیق داده شد. در این زمینه سؤال ذیل در قالب چهارچوبی چندمتغیره بررسی خواهد شد که آیا سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، قومیت، سکونت، شاخص SES) تأثیرگذار است؟ بسیاری از اندیشمندان، نظیر پوتنام و بوردیو و فوکویاما، بر این باورند که برای اینکه یک جامعه بتواند در مسیر توسعه گام بردارد نیازمند سرمایه‌گذاری درازمدت در زمینه سرمایه اجتماعی است. بنابراین، سرمایه اجتماعی، به‌خصوص در بعد هنجاری، علاوه بر پایین آوردن هزینه در عرصه‌های سیاسی، باعث

-
1. Political leanings
 2. Social capital
 3. Socioeconomic status

تحرك بخشی به گرایش‌های سیاسی نیز می‌شود (پناهی و خوش فر ۱۳۹۰: ۶۷). زیرا گرایش‌های سیاسی یک نوع آگاهی بخشی در حوزه سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود (Putnam 2010). مهم‌ترین ضرورت پژوهش حاضر اطلاع از نقش سرمایه اجتماعی در گرایش‌های سیاسی شهروندان استان خوزستان است. چون گرایش مردم بیشتر به انتخاب فردی است که احساس می‌کنند می‌تواند ناکارآمدی هیئت حاکمه را برطرف کند (ابوالحسنی ۱۳۸۴: ۱). همچنین، پرداختن به مقوله سرمایه اجتماعی شکل دهنده ارزش‌های یک فرد در مسیر گرایش‌های سیاسی است (Jha et al 2018: 106).

هدف پژوهش حاضر تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی بر اساس اولویت بخشی گرایش‌های سیاسی، مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری، سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۷۶ و ۱۳۹۲، بود تا مشخص شود شهروندان استان خوزستان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی به کدام یک از طیف‌های سیاسی رایج در کشور گرایش دارند.

پیشینه پژوهش

احمدی و مرادی (۱۳۹۷) با انجام دادن تحقیقی تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های شهروندی» به این نتیجه رسیدند که ابعاد گرایشی بیش از مؤلفه‌های دیگر مورد توجه شهروندان است و مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی اثرگذار بر شهروندان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است (احمدی و مرادی ۱۳۹۷: ۱۰۱). همچنین، پژوهش خلفخانی و حیدری (۱۳۹۴) تحت عنوان «بررسی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی» مؤید این مطلب است. سرمدی و همکارانش (۱۳۹۳) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در انتخابات» نشان دادند شبکه‌های اجتماعی بر افزایش میزان مشارکت در انتخابات تأثیر مثبت و معنادار می‌گذارد. متعاقباً تحقیق پناهی و خوش فر با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی» نشان داد مشارکت سیاسی در گرایش انتخاباتی رأی‌دهندگان قوی‌ترین جنبه مشارکت سیاسی بوده است (پناهی و خوش فر ۱۳۹۰: ۶۷). ذوالفقاری و فعلی به بررسی «تأثیر جایگاه جوانان در فضای اجتماعی بر روی میزان گرایش آنان به ارزش‌های دموکراتیک» پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد بین سن و تحصیلات با گرایش به ارزش‌های دموکراتیک رابطه وجود دارد. یعنی با بالا رفتن سن و تحصیلات گرایش به ارزش‌های دموکراتیک نیز بالا می‌رود (ذوالفقاری و فعلی ۱۳۸۸: ۷۵).

ابوالحسنی (۱۳۸۴) در تحقیقی تحت عنوان «گرایش سیاسی مردم، اصلاح طلبی و محافظه‌کاری» نشان داد در سال ۱۳۸۴ اکثریت جامعه، ضمن پذیرش نظام سیاسی، از وضع موجود ناراضی و خواهان اصلاح آن بودند. شکست اصلاح‌طلبان و پیروزی آنان طی سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ مبین شکست و موفقیت این دو جریان نیست؛ بلکه نشان‌دهنده گرایش‌های رفرمیستی میان مردم است. بنابراین، توزیع آرا در سال ۱۳۷۶ بیشتر بیانگر تفوقات اصلاح‌طلبانه در جامعه بوده است. ولی آرا در سال ۱۳۸۴ بیانگر نارضایتی شدید مردم از مدیریت سیاسی حاکم و گرایش به تغییر مدیریت و آرا در سال ۱۳۹۲ بدون توجه به خاستگاه سیاسی و عمدتاً با نگاه اقتصادی و رفاهی بوده است. موفقیت آقای خاتمی در سال ۱۳۷۶ معرف گرایش برتر اصلاح‌طلبان در جامعه و نتیجه مرحله دوم انتخابات ۱۳۸۴ نشان‌دهنده عدم رضایتمندی مردم از کارآمدی نخبگان حاکم بوده است. نتایج انتخابات سال ۱۳۹۲ بیانگر ناکارآمدی نخبگان حاکم و فساد اداری بوده است (ابوالحسنی ۴۲: ۸۴ - ۴۰).

عالم (۱۳۷۹) در یک مقاله پژوهشی تحت عنوان «بازبینی طیف گرایش‌های سیاسی» گرایش‌های سیاسی سه‌گانه را در ایران بررسی کرد. الف) طیف رادیکال یک نوع موضع‌گیری با اعتقاد به حل مشکلات به کمک عقل است. ب) میانه‌روها مسائل موجود را می‌شناسند و سیاست‌های بدیل را معقولانه ارزیابی می‌کنند. فردی که خود را میانه‌رو می‌داند با گفتن اینکه هر دو طیف لیبرال (اصلاح‌طلب) و محافظه‌کار (اصول‌گرا) نکات خوبی را مطرح می‌کنند مخاطبان خود را راضی یا عصبانی می‌کند. ج) محافظه‌کاران آن‌هایی هستند که از وضع موجود کاملاً پشتیبانی می‌کنند. در این زمینه بشیریه بر آن است که به نظر محافظه‌کاران نباید میراث‌گذاشتگان را یک‌باره کنار گذاشت (بشیریه ۱۷۳: ۷۸).

تحقیقات اسنادی جها^۱ و همکارانش (۲۰۱۸) تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی» در امریکا نشان داد گرایش‌های سیاسی و سرمایه اجتماعی بر تصمیمات گروهی و فردی تأثیر می‌گذارد. نیز سن^۲ تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های دموکراتیک را کاهش نمی‌دهد. در نتیجه، سرمایه اجتماعی بالاتر با رأی بیشتر به حزب دموکراتیک مرتبط است. همچنین، موفه^۲ (۲۰۱۴) بر آن است که در کشورهایی که سرمایه اجتماعی شهروندان بالاست میزان گرایش به رفتارهای دموکراتیک نیز بیشتر است.

1. Jha
2. muffle

اینگهار^۱ و وستوود (۲۰۱۵) کشف کردند در امریکا گرایش‌های سیاسی در مقایسه با گرایش‌های قومیتی رواج بیشتری دارند. مطالعه این دو نشان داد سرمایه اجتماعی ممکن است بر گرایش‌های سیاسی تأثیرگذار باشد. همچنین تیلی^۲ (۲۰۱۳) به «بررسی تأثیر قومیت بر گرایش‌های سیاسی» پرداخت. در این مطالعه این نتایج به دست آمد که قومیت به‌تنهایی موجب کاهش گرایش‌های سیاسی نمی‌شود؛ بلکه رفتار محافظه‌کارانه در این میان نقش واسطه را دارد.

فانک^۳ و بتمن (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش گرایش‌های سیاسی رأی‌دهندگان» نشان دادند رأی‌دهندگان با گرایش سیاسی محافظه‌کارانه تمایل بیشتری به داشتن دموکراسی مستقیم در جامعه نشان داده‌اند. ژوتر^۴ و هیندلز (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی باعث تعلقات سیاسی می‌شود؟» استدلال کردند سرمایه اجتماعی می‌تواند رابطه مثبتی با گرایش‌های سیاسی داشته باشد. در ادامه، رایس^۵ و لینگ (۲۰۰۰) با «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و دموکراسی در یازده کشور اروپایی و امریکایی» به این نتیجه دست یافتند که در کشورهای با میزان سرمایه اجتماعی بالا گرایش رفرمیستی قوی‌تر است (رستگار و عظیمی ۹۳: ۹۱).

بولاندر^۶ و پیناکر (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و شرکت در انتخابات بین اقلیت‌های قومیتی در کانادا» نشان دادند احتمال شرکت در انتخابات تا حد زیادی محصول پایگاه اجتماعی - اقتصادی (SES) و سرمایه اجتماعی است.

گلین^۷ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش مردم بر رأی دادن در انتخابات» استدلال کردند درک و فهم افراد از هنجارهای اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی آنان تأثیر می‌گذارد. گربر^۸ و همکارانش (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های رأی دادن» به بررسی تأثیر هنجارهای اجتماعی بر گرایش سیاسی جمعیت رأی‌دهنده پرداختند. تحقیقات آنها نشان داد هنگامی که هنجارهای اجتماعی در جامعه قوی‌تر می‌شوند، از یک طرف میزان مشارکت

-
1. Iyengar
 2. taiilly
 3. Funck
 4. Jottier
 5. reis
 6. Bevelander
 7. Glynn
 8. gerber

سیاسی افزایش می‌یابد و از طرف دیگر مشارکت‌کنندگان تشویق می‌شوند در ادامه این روند گرایش‌های سیاسی خود را در سطح ثابتی حفظ کنند. کلنسر (۲۰۰۷) اهمیت سرمایه اجتماعی را در افزایش فعالیت‌های سیاسی نشان داد. این تحقیق طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱، با عنوان «موج پیمایشی مقادیر و ارزش‌های جهانی (WVS)»^۱ انجام شد. نتایج نشان داد در شهرهای بزرگ مشارکت در فعالیت‌های سیاسی بیشتر است و در نهایت اعلام شد مشارکت در بخش‌های سیاسی بیشتر از سوی افراد مذکور جوامع است. در نتیجه الف) جنسیت فرد ارتباط درونی با گرایش سیاسی ندارد؛ ب) سن ارتباط ضعیفی با مشارکت سیاسی دارد؛ ج) درآمد و تحصیلات رابطه مثبتی با گرایش‌های سیاسی دارد. با توجه به اینکه در کشور ایران هیچ‌گونه پیشینه پژوهشی صرفاً دال بر بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی وجود ندارد و عمدتاً در این‌گونه تحقیقات به تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی پرداخته شده، نیاز به مطالعه در خصوص بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی شهروندان استان خوزستان محسوس است و در پژوهش حاضر، هم به دلیل پرداختن به مفهوم گرایش سیاسی و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی هم به لحاظ روش‌شناسی تحقیق (استفاده از روش PLS)، بدون برخورداری از پیشینه تحقیقات داخلی (صرفاً تحت این عنوان)، مطالعه‌ای نوآورانه در استان خوزستان صورت گرفت. همچنین، ترکیب ابعاد آلتوسویی و هنجاری جهت سنجش میزان سرمایه اجتماعی^۲ کمتر به منزله مؤلفه‌های تأثیرگذار، با استفاده از روش معادلات ساختاری، در تحقیقات قبلی به کار گرفته شده است. پیشینه نظری بیانگر آن است که این منابع تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی را عمدتاً بر پایه منابع دست دوم و کتابخانه‌ای نشان می‌دهند. حال، این پژوهش نقش متغیرهای زمینه‌ای را در گرایش‌های سیاسی شهروندان استان خوزستان به صورت پیمایشی واکاوی کرده و به تأثیر سرمایه اجتماعی بر نوع گرایش‌های سیاسی شهروندان به صورت ترکیبی پرداخته است.

مبانی نظری پژوهش

از نظر سیدنی^۳ و وربا (۲۰۰۹) در صورتی می‌توان به فهم بهتر گرایش‌های سیاسی دست یافت که به

۱. تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی که در سال ۲۰۰۳ توسط اینگلهارت به کار گرفته شد.

۲. شاخص ویژه‌ای است که روپاسینگها و همکارانش در سال ۲۰۰۸ جهت تعیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به کار گرفتند و یک سال بعد پوتنام از این شاخص در تحقیقات خود استفاده کرد.

اهمیت نقش روابط رودررو در مسائل مختلف پی برده شود. همچنین، گرایش سیاسی افراد در زندگی روزمره تحت تأثیر گروه‌هایی است که به آن تعلق دارند (Jha et al 208: 106). بر اساس نظریه بلاو، پیوند اجتماعی زمانی حفظ و تقویت می‌شود که افراد در مقابل آن پاداش بگیرند. پاداش محرک کنشگران به رفتار سیاسی خاصی است که با گرایش سیاسی افراد رابطه دارد (میرزایی و جعفری ۱۳۸۸: ۱۶۵). بنابراین الگوی نظری زیر ترسیم می‌شود.

گرایش‌های سیاسی از مصادیق هدف‌دار کردن سرنوشت سیاسی و اجتماعی افراد است. بنابراین، با گسترش دموکراسی در کشور، توجه به ابعاد مختلف دخالت مردم در میدان سیاسی و تعیین گرایش‌های سیاسی نمود بیشتری خواهد داشت. جامعه مدنی و سیاسی می‌تواند فعالیت‌ها و علقه‌های سیاسی شهروندان را تحت تأثیر خود قرار دهد. گرایش به طیف‌های گوناگون سیاسی، که به انتخاب‌کنندگانی سیاسی منجر می‌شود، می‌تواند مثنی سیاسی را در کشور جهت‌دار کند. بنابراین، ظرفیت‌های سیاسی باعث می‌شود افراد بینش و گرایش سیاسی خود را در جامعه آشکار کنند. در این زمینه یکی از مفاهیمی که با تعیین نوع گرایش‌های سیاسی ارتباط دارد مفهوم سرمایه اجتماعی است. از این مفهوم، طبق شاخص روپاسینگهای^۱ و گوتز (۲۰۰۲)، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. آنان سرمایه اجتماعی را به دو دسته شبکه‌های هنجارهای آلتوسویی و شبکه‌های ارتباطی تقسیم کردند و تعریف خود را بر این اساس ارائه دادند. بر این اساس، نظر پوتنام (۲۰۰۰) درباره سرمایه اجتماعی با ارتباطات مدنی رابطه تنگاتنگ دارد. یک جامعه ناشاد و منزوی احتمالاً از سرمایه اجتماعی قوی‌ای برخوردار نیست. به عبارت دیگر، پوتنام همانند روپاسینگهای و گوتز بر آن است که سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از ارتباطات افقی بین افراد و شبکه ارتباطات مدنی است که به مثابه حلقه ارتباطی بین هنجارها و قوانین جامعه مدنی عمل می‌کند. با این خصایص، سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموع منابعی دانست که از طریق روابط افقی و عمودی بین افراد در شبکه‌های هنجاری و ارتباطی تولید می‌شود.

سرمایه اجتماعی از نظر روپاسینگهای و گوتز (۲۰۰۲) جنبه‌ای از روابط میان‌فردی است که باعث تقویت فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. همچنین، پیوندهای اجتماعی و قومیتی احتمالاً تعیین‌کننده نوع گرایش‌های سیاسی است. بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق کاهش هزینه مشارکت

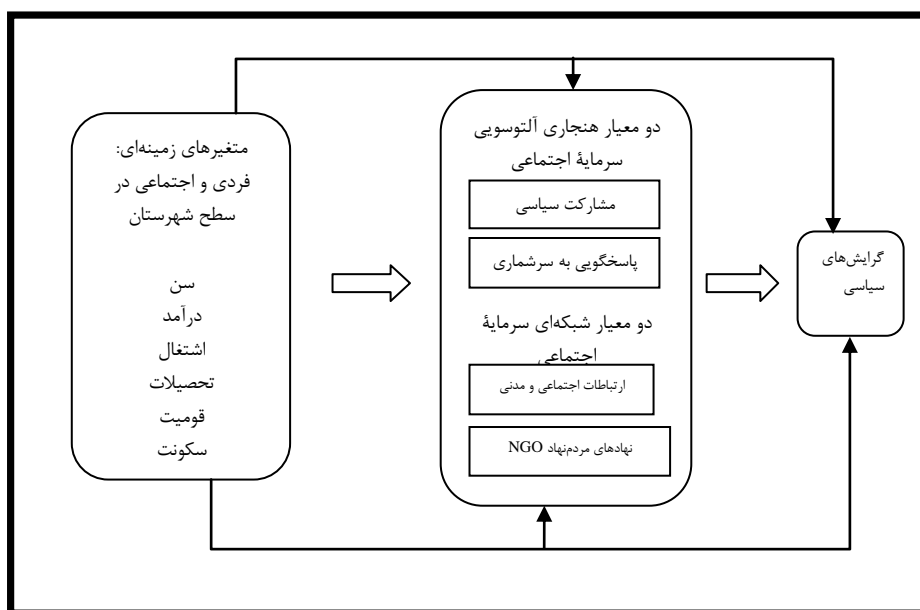
اجتماعی باعث تحرک بخشی به نوع فعالیت های سیاسی شهروندان شود. بنابراین، به نظر می رسد، با توجه به کاهش هزینه های زندگی اجتماعی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی، گرایش های سیاسی نیز میان شهروندان آشکارتر و هدفمندتر خواهد شد. چون ویژگی های شبکه ای و ارتباطی سرمایه اجتماعی می تواند انسجام اجتماعی را تقویت کند و بر این اساس میزان فعالیت های سیاسی نیز افزایش یابد.

رهیافت انتخاب عقلایی: مهم ترین ریشه نظریه انتخاب عقلایی رهیافت مبتنی بر گزینش معقولانه است (ریترز ۱۳۸۰: ۶۴۶). مطابق دیدگاه انتخاب عقلایی، آنچه باعث تعلق پذیری سیاسی می شود برداشتی از میزان تأمین منافع با یک جهت گیری خاص سیاسی است. حاصل این نظریه آن است که رفتار سیاسی افراد را می توان نتیجه انتخاب و گرایش های افراد دانست. نظریه انتخاب عقلایی، ضمن تشخیص پیچیدگی گرایش های انسانی، بر این تصور استوار است که افراد به دنبال منافع فردی خود با کشش بسیار زیادند.

نظریه توسعه سیاسی و حوزه عمومی: یورگن هابرماس بر این باور است که عوامل اجتماعی تأثیر ژرفی بر سیاست دارند. وی اعلام کرد اختلاف زیاد در پایگاه های اقتصادی و اجتماعی (SES) برای دموکراسی زیان آور است (صبوری ۱۳۸۱: ۸۰). ساموئل هانتینگتون نیز در این خصوص بر آن است که پایین بودن سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی (SES) مانع قوام یافتن گرایش ها و موضع گیری سیاسی جهت دار برای طبقات پایین جامعه است (صباغ پور ۱۳۷۳: ۸۱). همچنین، در این رهیافت، هرمز مهرداد نیز اعلام کرد طبقه بندی های اجتماعی تأثیر زیادی بر گرایش های سیاسی افراد دارد (مهرداد ۱۳۷۶: ۱۷۳).

رهیافت انگیزش عمومی: وایتلی^۱ و سید (۲۰۰۹) بر آن اند که این رهیافت نوعی از انتخاب عقلانی است. همچنین، ایدئولوژی افراط گرایانه باعث می شود افراد به سمت شرکت در فعالیت های سیاسی تشویق شوند. زیرا این نوع گرایش ها باعث می شود افرادی که باورهای مشترک دارند سعی کنند با افراد هم فکر خود تعاملات بیشتری داشته باشند. نظریه پردازان این حوزه توضیح می دهند که برخی وفاداری های افراد در احزاب سیاسی می تواند بر فعالیت های سیاسی تأثیر بگذارد (رهبر و همکاران ۱۳۹۳: ۴۳).

نظریه شبکه‌ای: یکی از نظریه‌پردازان شبکه‌ای گرانووتر^۱ است که نظریه «قدرت پیوندهای سست» را مطرح کرد. بر اساس تئوری شبکه‌ای هر قدر استحکام روابط میان اعضای گروه بیشتر باشد ارزش سرمایه اجتماعی کمتر خواهد بود (نصر اصفهانی و همکاران ۱۳۹۰). افراد جامعه ممکن است تحت تأثیر شبکه‌های غالب و فشارهای اجتماعی وادار به فعالیت‌های سیاسی و رأی دادن شوند. نظریه سرمایه اجتماعی کمک می‌کند تا بتوان نقش هم‌رنگی اجتماعی را در تعلقات و گرایش‌های سیاسی پیش‌بینی کرد (Granovetter 2005: 720). فعالیت سیاسی افراد، بیشتر از اینکه از طریق محاسبه هزینه و فایده صورت گیرد، از طریق هنجارهای اجتماعی دیده می‌شود (Knack & Keeffe 1997). همچنین، اسمیت^۲ (۲۰۱۳) استدلال می‌کند دلیل اصلی عدم‌گرایش شهروندان به فعالیت‌های سیاسی همکاری پایین آن‌هاست. بنابراین، بر اساس چارچوب نظری، مدل نظری پژوهش به شکل نمودار ۱ ترسیم می‌شود.



نمودار ۱. مدل تحلیلی تحقیق (تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی)

1. Granovetter
2. smith

فرضیات پژوهش

الف) فرضیات مبتنی بر نتایج جمعیت‌شناختی پژوهش

۱. بین سن افراد با ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی رابطه وجود دارد.
۲. میان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی بین مردان و زنان تفاوت وجود دارد.
۳. میان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی بین افراد بر حسب شاخص SES (شغل، تحصیلات، درآمد) تفاوت وجود دارد.
۴. میان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی بین قومیت‌های مختلف تفاوت وجود دارد.
۵. میان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی بین افراد بر حسب محل سکونت آنان تفاوت دارد.

ب) فرضیات فرعی پژوهش

۱. بین ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی با گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه وجود دارد.
۲. بین ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی با گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی رابطه وجود دارد.
۳. بین ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی با گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی رابطه وجود دارد.
۴. بین ابعاد آلتوسویی سرمایه اجتماعی با گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه وجود دارد.
۵. بین ابعاد آلتوسویی سرمایه اجتماعی با گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی رابطه وجود دارد.
۶. بین ابعاد آلتوسویی سرمایه اجتماعی با گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی رابطه وجود دارد.
۷. ابعاد سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی تأثیر می‌گذارد.
۸. ابعاد سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی تأثیر می‌گذارد.
۹. ابعاد سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی تأثیر می‌گذارد.

ج) فرضیات اصلی پژوهش

۱. سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی تأثیر می‌گذارد.
۲. سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی تأثیر می‌گذارد.
۳. سرمایه اجتماعی بر گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی تأثیر می‌گذارد.
۴. سرمایه اجتماعی بر کل گرایش‌ها طیف‌های سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲، تأثیر گذاشته است.

۵. سرمایه اجتماعی بر اولویت‌بخشی به گرایش‌های سیاسی مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲، تأثیر گذاشته است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ روش‌شناختی جزء پژوهش‌های کاربردی است. برای بسط و تکمیل اطلاعات پژوهش، از ابزار پرسشنامه جهت تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها استفاده شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها پردازش و تحلیل داده‌ها صورت گرفت. برای آزمون فرضیات، روش‌های تجزیه و تحلیل شامل آزمون رگرسیون ساده و تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی رابطه‌های چندگانه و ارائه معادله ساختاری OLS و PLS است. به منظور انجام دادن عملیات آماری آزمون‌های مذکور از نرم‌افزار SPSS24 برای ترسیم هیستوگرام‌ها و نمودارها و برای مدل‌سازی و تبیین روابط علی از نرم‌افزار smartPLS3 استفاده شد. واحد تحلیل این پژوهش تطبیقی بود و بین شهروندان هجده سال به بالا در سطح خرد بررسی صورت گرفت و اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. در ادامه جهت کسب نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری طی سه دوره ۱۳۸۶ و ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ برای هر سه طیف سیاسی اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا و اصول‌گرا مشاهدات لازم به عمل آمد. همچنین، کار با ۱۹۲۵ نمونه در سطح پنج شهرستان بالای ۱۳۵۰۰۰ نفر جمعیت (اهواز، آبادان، دزفول، ماهشهر، اندیمشک) در استان خوزستان جهت سنجش متغیرها شروع شد و در نهایت مشاهدات خالص و نهایی تحقیق، با وارد کردن داده‌های مربوط به این متغیرها، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری جدول مورگان بود. پس از تعیین میزان نمونه آماری، برای تعیین واحدهای نمونه، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای طبقه‌ای استفاده شد.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. از آنجا که برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی شهروندان از شاخص سرمایه اجتماعی استفاده شد، در مجموع، پرسشنامه این بخش مشتمل بر بیست و شش سنجه مورد سنجش قرار گرفت. برای تعیین اعتبار پرسشنامه، مهم‌ترین روش‌ها بدین شرح عملیاتی شد: الف) مرحله‌روایی سازه: در این مرحله تحلیل عاملی صورت گرفت. گفتنی است در این بخش مقدار آزمون بارتلت (مقدار KMO) در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار بود که خود بیانگر استقلال متغیرها و

همبستگی بین گویه‌های گرایش‌های سیاسی است. ب) مرحله‌ی روایی ملاک: در این مرحله بر اساس معیارها و مصداق‌های موجود از هر طیف سیاسی به شکل قطعی و اطمینان از گرایش‌های سیاسی آنان پنج نفر انتخاب شد. در نهایت، پرسشنامه‌ای با بیست و هفت سؤال فراهم آمد که پرسشنامه‌ی گرایش‌های سیاسی نام‌گذاری شد.

جدول ۱. ارزیابی اندازه‌گیری مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش و آلفای کرونباخ

C.R	AVE	VIF	Condition Index	Eigenvalue	شاخص‌های پژوهش	آلفای کرونباخ	مدل‌های سازنده
۰.۸۲	۰.۷۳	۱.۴۶	۲.۲۵	۲.۵۴	ارتباطات اجتماعی	۷۴.۲	معیار شبکه‌ای
		۱.۵۳	۲.۲۷	۲.۵۵	نهادهای مردم‌نهاد		
۰.۸۰	۰.۷۱	۱.۳۵	۱.۷۲	۱.۸۸	سرشماری	۷۳.۵	معیار آلتوسویی
		۱.۰۹	۱.۰۸۱	۱.۰۹	نگرش به مشارکت		
		۱.۲۴	۱.۹۵	۳.۱۵	اصلاح‌طلبی		
۰.۷۷	۰.۵۵	۱.۳۷	۲.۱۸	۲.۴۷	اعتدال‌گرایی	۸۳.۳۳	گرایش‌های سیاسی
		۱.۰۴	۱.۹۹	۲.۱۸	اصول‌گرایی		

متغیرهای پژوهش و تعاریف واژگان اصطلاحات تخصصی

پوتنام (۲۰۰۹) اشاره می‌کند یکی از شکل‌های اصلی سرمایه اجتماعی روابطی است که مردم هنگام صرف وقت خود با دیگران شکل می‌دهند. این سرمایه ایجاد شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای اجتماعی تلقی می‌شود.

معیار شبکه‌ای سرمایه اجتماعی^۱: از ابعاد شبکه‌های اجتماعی می‌توان به شبکه‌های افقی و شبکه‌های عمودی اشاره کرد (قاسمی ۱۳۸۵: ۲۳۸). شبکه پیوندهای اجتماعی در سطح روابط رسمی و تعاملات گروهی در سطح اجتماعی بیشترین تأثیر را بر فعالیت سیاسی می‌گذارند (پناهی و خوش‌فر ۱۳۹۰: ۶۷). همچنین معیار هنجاری (آلتوسویی) سرمایه اجتماعی بر حسب میزان پاسخگویی به سرشماری و میزان مشارکت رأی‌دهندگان است که در خصوص ابعاد پاسخگویی به سرشماری گویه‌های نظیر احساس اثرگذاری و کارایی داشتن در جامعه، ارزش زندگی و

احساس مفید بودن، اعتماد به آمارگران، و احساس تکلیف فردی داشتن لحاظ شده است. اما، در خصوص ابعاد متغیر مشارکت سیاسی، مواردی از قبیل مشارکت در فعالیتهای سیاسی، مشارکت بر حسب مسئولیت‌پذیری در جامعه، پذیرش داوطلبانه نقش‌های سیاسی، عضویت در انجمن و احزاب سیاسی، و فعالیت در روزنامه و مطبوعات سیاسی به‌عنوان گویه‌های این ابعاد در نظر گرفته شده است.

دو معیار آلتوسویی^۱

الف) نگرش شهروندان به مشارکت سیاسی

ب) میزان پاسخگویی و نگرش شهروندان به سرشمارهای انجام‌گرفته از سال ۱۳۷۶

دو معیار شبکه‌ای^۲

الف) سطح ارتباطات اجتماعی و مدنی در هر شهرستان

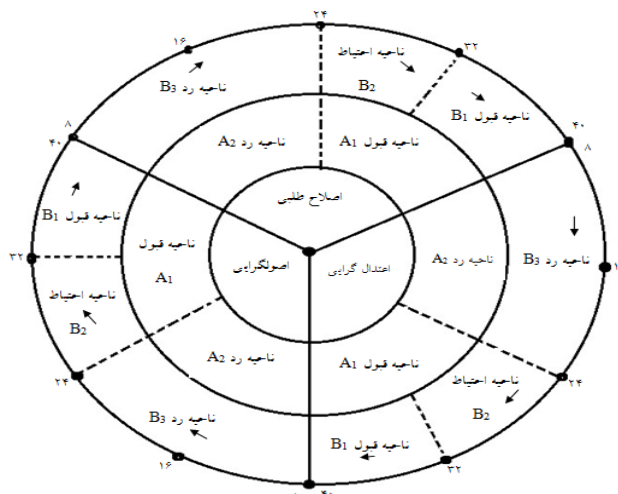
ب) مشارکت و نوع نگاه به سازمان‌های غیردولتی (NGO) موجود در هر شهرستان

معیار هنجاری - آلتوسویی بر حسب میزان پاسخگویی به سرشماری و مشارکت سیاسی بین شهروندان استان سنجیده می‌شود. در خصوص ابعاد پاسخگویی به سرشماری گویه‌هایی نظیر احساس اثرگذاری و کارایی داشتن در جامعه، ارزش زندگی و احساس مفید بودن، اعتماد به آمارگران، و احساس تکلیف فردی وجود دارد. اما در خصوص ابعاد متغیر مشارکت سیاسی گویه‌هایی چون مشارکت در فعالیتهای سیاسی، مشارکت بر حسب مسئولیت‌پذیری در جامعه، پذیرش داوطلبانه نقش‌های سیاسی، عضویت در انجمن و احزاب سیاسی، و فعالیت در روزنامه و مطبوعات سیاسی وجود دارد.

گرایش‌های سیاسی چهارچوبی از افکار است که خیر عمومی در آن نهفته است (شهریاری ۱۳۹۳: ۱۰۳). گروه‌های اولیه و اجتماعی تأثیر زیادی بر گرایش و فعالیت سیاسی افراد به جای می‌گذارند (verba et al 1995). در همین زمینه گرایش‌های سیاسی در این پژوهش در سه طیف اصول‌گرایی و اصلاح‌گرایی و اعتدال‌گرایی در نظر گرفته شد. گرایش‌های سیاسی بر حسب نوع و الگوی رأی‌دهی

۱ و ۲. هر دو معیار بر حسب میزان پاسخگویی شهروندان نشان‌دهنده میزان سرمایه اجتماعی هر شهرستان است.

شهروندان در انتخابات سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ ریاست‌جمهوری در استان خوزستان طراحی و ترسیم و سپس الگوی رأی‌دهی شهروندان بر اساس قطب‌سنجی سیاسی محاسبه شد.



نمودار ۲. قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی (منبع: استدلال نویسندگان)

$$GR \text{ (گرایش اصلاح‌طلبی)} = A1+r \text{ یا } B1+T1$$

$$GM \text{ (گرایش اعتدال‌گرایی)} = A1+m \text{ یا } B1+T2$$

$$GO \text{ (گرایش محافظه‌کاری)} = A1+o \text{ یا } B1+T3$$

$$GG \text{ (گرایش غالب سیاسی)} = GR, GM, GO$$

در این معادله منظور از اصطلاحات r, m, o به ترتیب انتخاب یکی از کاندیدهای انتخاباتی با گرایش سیاسی اصول‌گرایی، اعتدال‌گرایی، اصلاح‌طلبی است. همچنین منظور از نقاط $T1, T2, T3$ عدم‌انتخاب کاندیدای سیاسی یک گرایش خاص در بین همان طیف سیاسی بنا به دلایل مختلف است و در گزینه GG گرایش غالب سیاسی بر حسب بیشترین امتیاز بین سه طیف محاسبه می‌شود. گفتنی است جهت سنجش گرایش‌های واقعی سیاسی شهروندان در هر سه طیف فکری، مطابق نمودار ۲، قطب‌نمای تعیین گرایش‌های سیاسی بر حسب سنج‌های ارائه‌شده تدوین شده است. بدین صورت که برای هر طیف فکری به صورت جداگانه هشت سؤال یا سنجه تدارک دیده شده که حداقل و حداکثر امتیازات به ترتیب ۴۰ و ۸ است. بنابراین، در صورت کسب حداقل نمره ۲۴ و انتخاب یکی از کاندیدهای مربوط به همان طیف، گرایش سیاسی مربوط به آن طیف سیاسی تعیین و انتخاب می‌شود. همچنین، در صورت

عدم مشارکت فردی در انتخابات، رأی سفید یا انتخاب گزینه دیگر از طیف مخالف، در صورت کسب نمره بین ۳۲ تا ۴۰ در آن طیف فکری، مبنای گرایش انتخاب همان طیف خواهد بود. در این زمینه، مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی، به منظور تعیین و اولویت‌بندی گرایش‌های سیاسی شهروندان استان خوزستان در سه طیف فکری اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی بر این اساس اقدام شد.

سنجش عملیاتی و تعیین گرایش‌های سیاسی بر اساس نتایج آرای انتخابات ریاست‌جمهوری (برای کاندیدای هر دو طیف اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان) با استفاده از دیدگاه و اطلاعات اولیه شهروندان استان در نظر گرفته می‌شود. همچنین، دیدگاه تکمیلی شهروندان در خصوص دلیل یا دلایل گرایش به کاندیدای شرکت‌کننده در هر سه دوره انتخابات ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ مد نظر این پژوهش خواهد بود. در این زمینه، شاخص‌های تعیین‌کننده گرایش‌های سیاسی شهروندان مطابق نظر جها و همکارانش (2018: 102) موارد ذیل است:

الف) چون ارزش‌های رأی‌دهندگان بر گرایش‌های سیاسی آنان تأثیر می‌گذارد، این ارزش‌ها تحت تأثیر سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد.

ب) گرایش سیاسی یک فرد وابسته به توقعات او از دولت است و سرمایه اجتماعی بر توقعات آن فرد از دولت تأثیر می‌گذارد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

نتایج حاصله در رابطه با وضعیت سنی پاسخگویان بیانگر این مطلب بود که کمترین سن ۳۶ سال و بیشترین سن ۶۸ سال است. همچنین ۵۸ درصد از شهروندان مورد مطالعه مرد و ۴۲ درصد زن بودند. در ادامه، ۳۸٫۱ درصد (بیشترین) از شهروندان استان مورد مطالعه عرب، ۳۴٫۲ درصد از این شهروندان بختیاری، ۲۰٫۶ درصد از شهروندان فارس بومی بوده‌اند. ۳۰٫۴ درصد کارشناس (بیشترین) و ۱٫۱ درصد (کمترین) دارای مدرک حوزوی بوده‌اند. همچنین ۲۶٫۵ درصد از پاسخگویان (بیشترین) در بخش امور خدماتی و ۹۳٫۶ درصد از پاسخگویان در مجموع شاغل بودند. در رابطه با سطح درآمد ۲۸٫۶ درصد از پاسخگویان دارای سطح درآمد تا ۱٫۵۰۰٫۰۰۰ تومان، ۴۴٫۴ درصد دارای سطح درآمد از ۱۵۰۰۰۰۰ تا ۴٫۰۰۰٫۰۰۰ تومان و ۱۹٫۶ درصد دارای سطح

درآمد ۴۰۰۰۰۰۰ تومان و بالاتر بوده‌اند. همچنین سطح تراکم شبکه‌ای شهروندان مورد مطالعه تا حدودی بالاتر از حد متوسط بوده است (میانگین ۳۲/۸۷). به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت شاخص ارتباطات اجتماعی و مدنی در مقایسه با شاخص عضویت در شبکه‌های مردم‌نهاد از وضعیت بهتری برخوردار است. سطح معیار آلتوسویی سرمایه اجتماعی در بین شهروندان مورد مطالعه تقریباً در حد متوسط است (میانگین ۳۲/۰۹). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد همه سطوح آلتوسویی سرمایه اجتماعی میان شهروندان استان مورد مطالعه در حد پایین‌تر از متوسط قرار دارد.

نتایج تحلیل استنباطی

جدول ۲ بیانگر تفاوت معنادار بین سه گروه سنی یادشده است. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی بین زنان بیشتر از مردان است. بر حسب شاخص پایگاه اقتصادی و اجتماعی در ابعاد اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی معنادار است. همچنین در بعد گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی شهروندان فارس بومی دارای بیشترین میزان گرایش اصلاح‌طلبی‌اند. از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد در ابعاد گرایش اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی شهروندان عرب دارای بیشترین میزان گرایش سیاسی در این زمینه هستند. در ادامه در بعد گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی شهر اهواز بالاترین میانگین و شهرستان آبادان کمترین میزان و در بعد گرایش اصول‌گرایی شهرستان آبادان بالاترین میانگین و شهرستان ماهشهر کمترین میزان را دارند.

جدول ۳ رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان گرایش‌های سیاسی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین ابعاد ارتباطات اجتماعی و مدنی و پاسخگویی به سرشماری با گرایش اصلاح‌طلبی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. اما بین شبکه‌های مردم‌نهاد و نگرش به مشارکت سیاسی با همین طیف رابطه معنادار و منفی مشاهده شد. نهایتاً بین ابعاد تراکم شبکه‌ای و آلتوسویی سرمایه اجتماعی با گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین، بین بعد شبکه‌های مردم‌نهاد و پاسخگویی به سرشماری با گرایش به اعتدال‌گرایی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. اما بین ارتباطات اجتماعی و مدنی و بعد مشارکت سیاسی با گرایش به همین طیف رابطه معنادار مشاهده نشد. نهایتاً بین ابعاد تراکم شبکه‌ای و آلتوسویی سرمایه اجتماعی با گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی رابطه معنادار وجود ندارد.

جدول ۲. آزمون فرضیه‌های جمعیت‌شناختی پژوهش

متغیر ملاک	متغیر جمعیت‌شناختی	F	t	Sig.
اصلاح‌طلبی	سن	۲۲,۰۷	۱,۶۴	,۰۰۰۵
	جنس	۱۲,۰۳۸	۶,۴۴۵	,۰۰۰۰۱
	SES	۴۵,۴۴	-۴,۱۲۲	,۰۰۰
	قومیت	۱۹,۸۳	-	,۰۰۰۰۰
	سکونت	۶۹,۱۶	-	,۰۰۰۰۵
اعتدال‌گرایی	سن	۱۴,۲۶	-۱,۵۰۷	,۰۰۰۰۵
	جنس	۴۰,۷۲۴	-۰,۱۲۴	,۰۰۰۰۵
	SES	۲۱,۰۶	۳,۴۶	,۰۰۰
	قومیت	۱۳,۵۱	-	,۰۰۰۰۴
	سکونت	۲۷,۶۶	-	,۰۰۰۰۵
اصول‌گرایی	سن	۱,۱۲۱	-۰,۱۲۴	,۰۰۰
	جنس	۸,۹۱۱	-۲,۴۰۹	,۰۰۰۱
	SES	۱۰,۴۹۵	-۳,۱۲۴	,۰,۱۲۳
	قومیت	۱۷,۱۲	-	,۰۰۰۰۵
	سکونت	۱,۸۶	-۸۶	,۰,۱۱۵

جدول ۳. همبستگی ابعاد شبکه‌ای اجتماعی و آنتوسویی با گرایش‌های سیاسی

اصول‌گرایی	اعتدال‌گرایی	اصلاح‌طلبی	همبستگی	ارتباطات اجتماعی و مدنی
-۰,۱۴۴	۰,۰۱۸	۰,۴۰۶	همبستگی	ارتباطات اجتماعی و مدنی
,۰۰۰۰۵	۰,۴۳	,۰۰۰۰۵	معناداری	
-۰,۱۰۹	-۰,۰۸	-۰,۳۰۲*	همبستگی	شبکه‌های مردم‌نهاد
,۰۰۰۰۵	,۰,۰۰۲	,۰۰۰۰۵	معناداری	
-۰,۲۰۲	,۰,۰۵۱	,۰,۱۸۴	همبستگی	پاسخگویی به سرشماری
,۰۰۰۰۵	,۰,۰۲۴	,۰۰۰۰۵	معناداری	
-۰,۱۲۷	-۰,۰۲۷	,۰,۰۲۲	همبستگی	مشارکت سیاسی
,۰۰۰۰۵	,۰,۲۲۹	,۰,۳۳۰	معناداری	
-۰,۱۰۹**	,۰,۲۳**	,۰,۳۹۳**	همبستگی	تراکم شبکه‌ای
,۰۰۰۰۵	,۰,۳۰۴	,۰,۰۰	معناداری	
-۰,۲۲۰**	,۰,۰۲۱**	,۰,۱۲۴**	همبستگی	ابعاد هنجاری
,۰۰۰	,۰,۳۶۱	,۰,۰۰	معناداری	

جدول ۴ معادله رگرسیون رابطه میان ابعاد سرمایه اجتماعی با گرایش‌های سیاسی را به تصویر می‌کشد. الف) مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۳۹۴ است. مقدار ضریب تعیین بیان‌کننده تبیین ۱۵ درصد از واریانس متغیر وابسته با ابعاد سرمایه اجتماعی است. مقدار $F=175.62$ و سطح معناداری ۰/۰۰۰۵ رابطه معنادار آماری میان سرمایه اجتماعی با میزان گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی شهروندان را به تصویر می‌کشد. همچنین، مقدار ضرایب بتا نشان می‌دهد همه ابعاد سرمایه اجتماعی بر گرایش به اصلاح‌طلبی تأثیر می‌گذارد. ب) مقدار ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرهای مستقل و گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی برابر ۰/۰۲۷ است. مقدار $F=0.725$ و سطح معناداری ۰/۴۸۴ عدم‌رابطه معنادار آماری میان سرمایه اجتماعی با میزان گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی را به تصویر می‌کشد. ج) مقدار ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرهای مستقل و گرایش سیاسی اصول‌گرایی برابر ۰/۲۲۴ است. مقدار $F=50.631$ و سطح معناداری ۰/۰۰۰۵ رابطه معنادار میان سرمایه اجتماعی با میزان گرایش سیاسی اصول‌گرایی را نشان می‌دهد و بدین ترتیب مدل پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون هر بعد از سرمایه اجتماعی بر میزان گرایش‌های سیاسی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضرایب استاندارد بتا	t	سطح معناداری
	تراکم شبکه‌ای	۰/۳۴۳	۱۷/۷۸	۰/۰۰۰۵
گرایش	آلتوسویی و هنجاری	۰/۰۰۴	۰/۱۹۰	۰/۸۴۹
اصلاح‌طلبی	$R=0.394$	$R\ Square=155$	$F=175.62$	۰/۰۰۰۵
	تراکم شبکه‌ای	۰/۰۱۶	۰/۷۸۶	۰/۴۳۲
گرایش	آلتوسویی و هنجاری	۰/۰۱۳	۰/۶۲۸	۰/۵۳۰
اعتدال‌گرایی	$R=0.027$	$R\ Square=0.001$	$F=0.725$	۰/۴۸۴
	تراکم شبکه‌ای	-۰/۰۴۶	-۱/۹۸۴	۰/۰۴۷
گرایش	آلتوسویی و هنجاری	-۰/۲۰۵	-۸/۷۸۳	۰/۰۰۰۵
اصول‌گرایی	$R=0.224$	$R\ Square=0.050$	$F=50.631$	۰/۰۰۰۵

مطابق جدول ۵، مقدار ضریب همبستگی چندگانه میان متغیر مستقل و شرکت در انتخابات برابر ۰/۳۲۶ است. مقدار $F=227.61$ و سطح معناداری ۰/۰۰۰۵ رابطه معنادار آماری میان سرمایه اجتماعی با گرایش به طیف اصلاح‌طلبی را به تصویر می‌کشد و بدین ترتیب مدل پژوهش تأیید می‌شود. از سوی دیگر مقدار ضرایب بتا نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی بر گرایش به اصلاح‌طلبی

تأثیر معنادار و مستقیم دارد. همچنین مقدار ضریب همبستگی چندگانه میان متغیر مستقل و گرایش سیاسی اعتدال‌گرایی برابر ۰/۰۲۷ است. بدین ترتیب مدل پژوهش تأیید نمی‌شود. مقدار آزمون فیشر (F) در همه ابعاد سه‌گانه گرایش‌های سیاسی معنادار است و بنابراین تفاوت میانگین نمره درون‌گروهی و برون‌گروهی در سه گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی به لحاظ آماری معنادار است. یعنی به هر میزانی که سرمایه اجتماعی افزایش یا کاهش یابد گرایش غالب سیاسی هم به طیف‌های مختلف سیاسی به صورت مثبت و مستقیم افزایش یا کاهش می‌یابد. مطابق جداول فوق با افزایش سرمایه اجتماعی به ترتیب اولویت گرایش‌های سیاسی بر حسب گرایش‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی و اعتدال‌گرایی تعیین و انتخاب می‌شود و بالعکس.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون به ازای رگرسیون سرمایه اجتماعی بر میزان گرایش‌های سیاسی

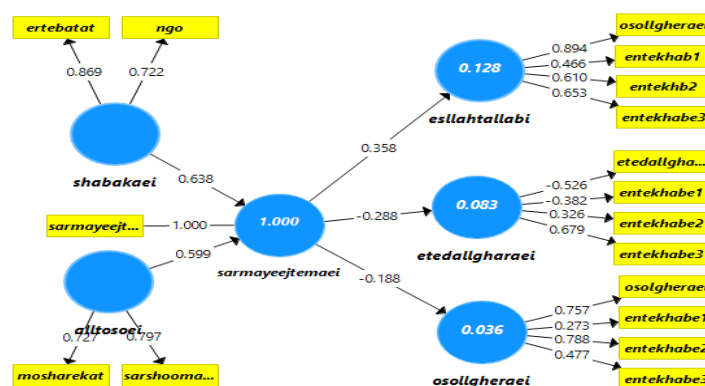
متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضرایب استاندارد بتا	t	سطح معناداری
اصلاح‌طلبی	سرمایه اجتماعی	۰,۳۲۶	۱۵,۰۸	۰,۰۰۰۵
	R=0.326	R Square=0.106	F=227.61	۰,۰۰۰۵
اعتدال‌گرایی	سرمایه اجتماعی	۰,۰۱۵	۱,۲۰۳	۰,۲۲۹
	R=0.027	R Square=0.001	F=1.45	۰,۲۲۹
اصول‌گرایی	سرمایه اجتماعی	-۰,۱۱۱	-۸,۹۹	۰,۰۰۰۵
	R=0.201	R Square=0.040	F=80.93	۰,۰۰۰۵
کل گرایش‌های سیاسی	سرمایه اجتماعی	۰,۱۱۸	۵,۱۹۵	۰,۰۰
	R=0.118	R Square=0.140	F=26.98	۰,۰۰

مدل معادلات ساختاری با روش PLS- SMART

فرضیات اصلی در قالب مدل معادلات ساختاری در نمودار ۳ مورد بررسی قرار گرفتند و مسیر مدل ساختاری ارزیابی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر را بر گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی و کمترین تأثیر را بر گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی دارد. در مجموع سرمایه اجتماعی دارای ضریب تأثیر متوسط (۰/۴۵۸) بر گرایش‌های سیاسی است. به عبارت دیگر ضریب مسیر فوق بیانگر آن است که سرمایه اجتماعی توانسته است ۴۵ درصد از تغییرات متغیر گرایش‌های سیاسی را تبیین کند. از سوی دیگر خروجی مدل با استفاده از دستور

bootstrapping نشان می‌دهد ضریب معناداری سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی از ۱٫۹۶ بیشتر است که این مطلب حاکی از معنادار بودن تأثیر سرمایه اجتماعی بر متغیر گرایش‌های سیاسی است.

با در نظر گرفتن نتایج جدول ۶ روشن می‌شود که تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های اصول‌گرایی و اعتدال‌گرایی و اصلاح‌طلبی در سطح معناداری ۹۵ درصد مورد تأیید است. از سوی دیگر، برای بررسی کیفیت یا اعتبار مدل از شاخص بررسی اعتبار حشو یا افزونگی^۱ استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد مقادیر شاخص اعتبار حشو مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته مثبت و بزرگ‌تر از صفر است. در نتیجه می‌توان گفت مدل مورد بررسی از اعتبار خوبی برخوردار است.



نمودار ۳. مدل معادلات ساختاری تأثیر سرمایه اجتماعی بر ابعاد گرایش‌های سیاسی

جدول ۶. مدل ارتباط سرمایه اجتماعی با ابعاد گرایش‌های سیاسی

گرایش اصول‌گرایی	گرایش اعتدال‌گرایی	گرایش اصلاح‌طلبی	Latent variable
-۰٫۱۸۸	-۰٫۲۸۸	۰٫۳۵۸	Path coefficients
۹٫۹۰۱	۱٫۲۸۸	۲۳٫۶۹۲	T Statistics
۰٫۰۰	۰٫۲۳۰	۰٫۰۰	P-value
۰٫۰۴۶	۰٫۰۱۱	۰٫۰۱۰	F
۰٫۰۳۶	۰٫۰۸۳	۰٫۱۲۸	R square

سرمایه اجتماعی

1. Redundancy

جدول ۷. خلاصه پیش‌بینی دو متغیر اصلی گرایش‌های سیاسی و سرمایه اجتماعی

نام متغیر	RMSE	MAE	Q2-PREDICT
گرایش‌های سیاسی	۰,۳۳۲	۰,۲۵۵	۰,۴۴۹
سرمایه اجتماعی	۰,۱۲۰	۰,۰۸۶	۰,۹۸۶

میانگین مجموع مربعات خطا^۱ (RMSE) یک نوع خطا در داده‌کاوی و رگرسیون است. بنابراین خلاصه پیش‌بینی نمودار ۸ و خروجی مدل با استفاده از دستور Pls-Predict نشان می‌دهد گرایش‌های سیاسی بر حسب سه طیف سیاسی مورد مطالعه (۰,۳۳۲) و سرمایه اجتماعی بر حسب دو بعد شبکه‌ای و هنجاری (۰,۱۲۰) کمترین فاصله را دارند. پس تولید DEM در این متغیر با دقت مناسبی صورت گرفته است. همچنین، مقدار مطلق خطا^۲ (MAE) استفاده شده است که در این روابط تعداد و خطاهای پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به دو متغیر گرایش‌های سیاسی و سرمایه اجتماعی به ترتیب برابر ۰,۴۴۹ و ۰,۹۸۶ مطابق با دستورالعمل Q2-PREDICT به شکل مناسب است.

نتیجه

* میزان گرایش‌های سیاسی در گروه‌های سنی مختلف از برابری نسبی برخوردار است. احتمالاً این موضوع بر اساس شناور بودن سطح فعالیت‌های سیاسی است. هم‌سو با یافته‌های کلنسر (۲۰۰۷) سن با سطح گرایش‌های سیاسی ارتباط دارد. از دلایلی که برای این موضوع بیان شده می‌توان به تحرک‌پذیری سیاسی شهروندان در فعالیت‌های سیاسی اشاره کرد. همچنین میزان گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی بین زنان بیش از مردان است. در این زمینه، یافته‌های تحقیق مذکور نشان داد زنان نسبت به مردان در مسائل روز سیاسی فعالیت بیشتری دارند. احتمالاً علت آن، بر اساس تحلیل نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۷۶ بر حسب تفکیک جنسیتی مشارکت‌کنندگان، این است که در ایران زنان به طور کلی اصلاح‌طلبانه‌تر از مردان هستند. شهروندان با درآمد بالا دارای بیشترین گرایش سیاسی اعتدال‌گرایانه هستند. در این زمینه،

1. Root mean square error
2. Mean absolute error

وربا (1993) و کانوی (2000) نشان می‌دهند شهروندانی که از جایگاه اقتصادی بالاتری برخوردارند پول لازم به منظور تأثیرگذاری بر سیاست را دارند. در همین راستا مطابق با قضایای مفهومی مستخرج از رهیافت نظریه توسعه سیاسی و حوزه عمومی بین شاخص SES و فعالیت‌های سیاسی ارتباط وجود دارد.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد در ابعاد گرایش اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی شهروندان عرب دارای بیشترین میزان گرایش سیاسی در این زمینه‌اند. قضایای مفهومی مستخرج از رهیافت انگیزش‌های عمومی نیز ارتباط بین قومیت با گرایش‌های سیاسی را نشان می‌دهد. همچنین در بعد گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد محل سکونت شهروندان استان خوزستان در گرایش آنان به طیف‌های سیاسی اعتدال‌گرایی و اصلاح‌طلبی تأثیر معنادار دارد؛ به گونه‌ای که شهروندان شهرستان اهواز در این دو طیف سیاسی بیشترین تأثیر را نسبت به شهرهای بزرگ‌تر دارند. این موضوع گویای آن است که تراکم جمعیت در مرکز استان نسبت به جمعیت سایر شهرهای مورد مطالعه در نوع تعلقات به این گرایش‌های سیاسی تأثیر غالب دارد. مطابق دیدگاه اسمیت (۲۰۰۲) می‌توان گفت محل سکونت ممکن است تعلقات سیاسی را کم و زیاد کند.

* بین همه ابعاد تراکم شبکه‌ای سرمایه اجتماعی و گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این موضوع با یافته‌های پوتنام (۲۰۰۲) و بوردیو (۱۹۸۹) هم‌سوست. این وضعیت احتمالاً به این دلیل است که انجمن‌های مردم‌نهاد به راحتی می‌توانند فعالیت‌های جمعی را تسهیل بخشند. همچنین شبکه‌های اجتماعی می‌توانند یک جریان متحد به سمت یک طیف سیاسی خاص شکل دهند. در این زمینه، گریبر (۲۰۰۸) بیان می‌کند تعداد ارتباطات اجتماعی و مدنی تأثیر بسیار قوی‌ای بر گرایش‌های سیاسی جمعیت رأی‌دهنده می‌گذارد.

* بین بعد شبکه‌های مردم‌نهاد و گرایش به اعتدال‌گرایی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به نظر می‌رسد یافته‌های این پژوهش با یافته‌های بارت (۲۰۰۰) هم‌سوست. ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی مقوله‌ای است که باعث تعویض تعلق‌پذیری سیاسی است. با این تعریف، می‌توان گفت

شرکت در انجمن‌ها و نهادها محصول هنجار غیررسمی است و در گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی مؤثر است.

* بین ابعاد شبکه‌های مردم‌نهاد و ارتباطات اجتماعی و مدنی با گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. این موضوع با یافته‌های وربا (۱۹۸۱) همخوانی دارد. در صورتی می‌توان به فهم بهتر گرایش‌های سیاسی دست یافت که به اهمیت نقش روابط رودررو در مسائل مختلف نیز پی برده شود. بنابراین به نظر می‌رسد ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی انگیزه لازم را برای تأثیرگذاری بر گرایش‌های سیاسی فراهم می‌کند. علت این وضعیت آن است که انتخاب گروه‌ها و احزاب سیاسی توسط افراد بر اساس معیارهای مورد پذیرش آن گروه اجتماعی صورت می‌گیرد.

* بین بعد پاسخگویی به سرشماری و گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های گربر و همکارانش (۲۰۰۸)، هم‌سوست. آن‌ها استدلال می‌کنند هنجارهای اجتماعی تأثیر بسیار زیادی بر فعالیت‌های سیاسی می‌گذارد. این تأثیر مهم به دلیل هنجارهای اجتماعی از قبیل شرکت در امور اجتماعی است که رفتارهای سیاسی شهروندان را در یک جهت خاص سوق می‌دهد.

* بین بعد پاسخگویی به سرشماری و گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این موضوع با یافته‌های فیلدهاوس (۲۰۰۹) و ساچمس (۲۰۰۵) هم‌سوست. زیرا آن‌ها باور دارند ارتباطات زیادی در خصوص میزان پاسخگویی به سرشماری و میزان مشارکت در انتخابات با تقویت سرمایه اجتماعی وجود دارد. بنابراین تقویت بعد مسئولیت‌پذیری در گرایش به طیف سیاسی اعتدال‌گرایی تأثیرگذار است.

* بین بعد پاسخگویی به سرشماری و مشارکت سیاسی با گرایش به طیف سیاسی اصول‌گرایی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. این موضوع با یافته‌های گربر (۲۰۰۹) و کلمن (۱۹۹۸) مطابقت دارد. زیرا هر دو به بررسی تأثیر هنجارهای اجتماعی بر گرایش سیاسی جمعیت رأی‌دهنده پرداخته‌اند. تحقیقات آن‌ها نشان می‌دهد هنگامی که بعد هنجاری سرمایه اجتماعی در جامعه

قوی تر می شود مشارکت کنندگان تشویق می شوند گرایش های سیاسی خود را در سطح ثابتی حفظ کنند. در این تعریف سطح ثابت گرایش سیاسی می تواند همان طیف سیاسی اصول گرایی باشد.

* بین ابعاد تراکم شبکه ای و آلتوسویی سرمایه اجتماعی با گرایش سیاسی اصلاح طلبی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. یافته ها نشان می دهد با افزایش میانگین معیار تراکم شبکه ای و معیار آلتوسویی میزان گرایش به اصلاح طلبی بالاتر می رود. نتایج این یافته ها با تحقیقات گلین و همکارانش (۲۰۰۹) همسوست. چون به این نتیجه دست یافتند که در جوامع با میزان سرمایه اجتماعی بالا متعاقباً گرایش رفرمیستی تقویت خواهد شد. احتمالاً علت اصلی تأثیر معیارهای هنجاری سرمایه اجتماعی بر گرایش های سیاسی اصلاح طلبی به عنوان تأثیر غالب این است که افراد تلاش می کنند به گونه ای هماهنگ با اکثریت جامعه رفتار کنند و بدین شیوه گرایش های سیاسی خود را انتخاب کنند.

* بین ابعاد تراکم شبکه ای و آلتوسویی سرمایه اجتماعی با گرایش سیاسی اعتدال گرایی رابطه معنادار وجود ندارد. به نظر می رسد این یافته با یافته های جها و همکارانش (۲۰۱۸) همسو باشد. جها استدلال می کند یک شهرستان با سرمایه اجتماعی بالا می تواند باعث خلق ارزش هایی شود که افراد به جای آنکه بر حسب نوع گرایش های سیاسی به دولت وابسته باشند به حل مشکلات خود بدون در نظر گرفتن مسائل جناحی تشویق شوند.

* بین ابعاد تراکم شبکه ای و آلتوسویی سرمایه اجتماعی با گرایش سیاسی اصول گرایی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج این یافته ها با تحقیقات پوتنام (۲۰۰۲) همسوست. چون رابطه میان شبکه های اجتماعی و فعالیت های سیاسی مهارت های لازم را برای مفید بودن در جامعه به خصوص در نشان دادن نوع گرایش های سیاسی نشان می دهد. زیرا انتخاب کاندیدا و احزاب سیاسی توسط شهروندان بر اساس ارزش های مشترک و مورد قبول آنان صورت می گیرد.

* سرمایه اجتماعی بر گرایش سیاسی اصلاح طلبانه تأثیر معنادار می گذارد. بنابراین می توان گفت وجود سرمایه اجتماعی بالا احتمالاً امکان تغییر گرایش های سیاسی به طیف اصلاح طلبی را جابه جا می کند. به عبارت دیگر همسو با تعبیر کلمن (۲۰۰۲) و فوکویاما (۱۹۹۵) ویژگی های

اصلی سرمایه اجتماعی مانند ارتباطات، هنجارهای اجتماعی و ایجاد جامعه شبکه‌ای برای شکل‌گیری امور سیاسی تأثیرگذار است.

* سرمایه اجتماعی و گرایش سیاسی اعتدال‌گرایانه رابطه معنادار ندارند. به نظر می‌رسد این یافته با یافته کلمن (۲۰۰۰) در تضاد است. چون افزایش ارتباطات اجتماعی و مدنی در زمینه تقویت سرمایه‌های اجتماعی امکان تعلق‌پذیری‌های خاصه را افزایش می‌دهد.

* سرمایه اجتماعی و گرایش سیاسی اصول‌گرایانه رابطه معنادار و معکوس دارند. بنابراین، می‌توان گفت وجود سرمایه اجتماعی بالا احتمالاً امکان تغییر علقه و گرایش‌های سیاسی به طیف اصول‌گرایی را جابه‌جا میکند و بالعکس. به عبارت دیگر، رابطه منفی بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی به افزایش یا کاهش گرایش‌های سیاسی اصول‌گرایی افراد در فعالیت‌های سیاسی جامعه منجر خواهد شد. نتایج این پژوهش با تحقیقات ژوتر و هیندلز (۲۰۱۲) هم‌سوست.

* سرمایه اجتماعی بر کل گرایش‌ها به طیف‌های سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ تأثیر گذاشته است. هم‌سو با دیدگاه گرانوتر (۲۰۰۵)، انتظار می‌رود افرادی که به سرمایه‌های اجتماعی گسترده دسترسی دارند تعلق‌پذیری سیاسی خاصی داشته باشند. چون سرمایه اجتماعی مردم را به همدیگر پیوند می‌دهد و بدین ترتیب احتمالاً گرایش‌های سیاسی به یک سمت خاص معنادار خواهد شد. در مجموع می‌توان گفت سرمایه اجتماعی یکی از عوامل مهم تهییج به فعالیت‌های سیاسی است. در مکتب انتخاب عقلانی آنتونی داونز نیز هر گونه رفتار سیاسی حاصل تصمیم فردی بازیگر است که اهداف او را تأمین می‌کند. همچنین بین تصور مردم از کارایی حکومت با شرکت در انتخابات و گرایش سیاسی به احزاب رابطه مثبت وجود دارد (Jottier & Heyndels 2012).

* سرمایه اجتماعی بر اولویت‌بخشی به گرایش‌های سیاسی مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲، تأثیر گذاشته است. بر اساس قطب‌نمای گرایش‌های سیاسی معین شد بیشترین علقه و تعلقات طیفی در استان خوزستان مربوط به طیف اصلاح‌طلب و کمترین تعلقات سیاسی در استان مربوط به طیف

اعتدال‌گراست. یعنی مطابق یافته‌های فوق با افزایش سرمایه اجتماعی به ترتیب اولویت‌های گرایش‌های سیاسی بر حسب گرایش‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی و اعتدال‌گرایی تعیین و انتخاب می‌شود. بنابراین نتایج این بخش با دیدگاه ابوالحسنی (۱۳۸۴) و عالم (۱۳۷۹) هم‌سوست. چون نابرابری‌های اقتصادی و دغدغه‌های سیاسی در نوع گرایش‌های سیاسی مؤثر است. در این زمینه مطابق قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی سرمایه اجتماعی در استان خوزستان بیشترین تأثیر را بر گرایش به طیف فکری اصلاح‌طلب داشته است.

منابع

۱. ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۹۲). «کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی - سرمایه اجتماعی و سیاست»، سیاست جهانی، د ۴، ش ۲، صص ۶۹ - ۸۶.
۲. _____ (۱۳۸۴). «نگرش و گرایش‌های سیاسی مردم (اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۹، صص ۱ - ۲۴.
۳. احمدی، یعقوب و سالار مرادی (۱۳۹۷). «سرمایه اجتماعی و فرهنگ شهروندی»، علوم اجتماعی، د ۲۷، ش ۱۸، صص ۱۰۱ - ۱۲۹.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۸). لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تهران، نی.
۵. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نی.
۶. پناهی، محمدحسین و غلام‌رضا خوش‌فر (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی استان گلستان»، پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان، د ۲، ش ۱، صص ۶۱ - ۸۲.
۷. پوتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
۸. حسین‌زاده، علی‌حسین؛ الهه موالی‌زاده؛ کمال مرادیان (۱۳۹۳). «بررسی اینترنت بر گرایش سیاسی دانشجویان شهید چمران اهواز»، توسعه اجتماعی، د ۲، ش ۹، صص ۴۲ - ۶۲.
۹. خلفخانی، مهدی و مرجان حیدری (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرکرد»، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، د ۱، ش ۹، صص ۴۸ - ۷۸.
۱۰. ذوالفقاری، ابوالفضل و جواد فعلی (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر جایگاه جوانان تهران در فضای اجتماعی بر روی میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک»، پژوهش اجتماعی، د ۲، ش ۵، صص ۱۷۷ - ۲۰۱.
۱۱. رستگار خالد، امیر و هاجر عظیمی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران)»، علوم اجتماعی، ش ۵۹، صص ۸۹ - ۱۳۲۲.

۱۲. ریترز، جورج (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
۱۳. شهریاری، حیدر (۱۳۹۳). «تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران»، دانش سیاسی، د ۲، ش ۲۰، صص ۶۳ - ۱۰۱.
۱۴. صباغ‌پور، علی‌اصغر (۱۳۷۳). «بررسی نگرش سیاسی - مذهبی جوانان ذکور تهران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. صبوری، منوچهر (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران، شبتاب.
۱۶. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۹). «بازبینی طیف گرایش‌های سیاسی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۴۸، صص ۱۱۵ - ۱۵۵.
۱۷. عباسی سرمدی، مهدی؛ راضیه مهربانی‌کوشکی؛ محمودرضا رهبرقاضی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در انتخابات»، مسائل اجتماعی ایران، د ۵، ش ۲، صص ۴۱ - ۶۰.
۱۸. عطار، سعید و رحیم ابوالحسنی (۱۳۹۱). «رویکرد سیاست شبکه‌ای: تعمیم اندیشه سرمایه اجتماعی به عرصه تحلیل دولت»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ش ۲.
۱۹. فتحی، یوسف (۱۳۹۵). «مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و جمعیت جوان و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی با تأکید بر قرآن و حدیث»، جامعه‌شناسی سبک زندگی، د ۲، ش ۶، صص ۱۰۱ - ۱۳۳.
۲۰. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). آمریکا بر سر تقاطع: دموکراسی، قدرت و میراث جریان نو محافظه کاری در آمریکا، ترجمه مجتبی امیری‌وحید، تهران، نی.
۲۱. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران، جامعه ایران.
۲۲. قاضی‌رهبر، محمود؛ سید جواد امام‌جمعه‌زاده؛ حسین هرسیج؛ عباس حاتمی (۱۳۹۳). «تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان، صنعتی اصفهان، هنر اصفهان و علوم پزشکی اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳)»، پایان‌نامه دکتری رشته علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری گروه علوم سیاسی.
۲۳. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.

۲۴. میرزایی، خلیل و فاطمه جعفری (۱۳۸۸). تأثیر عوامل اجتماعی و جمعیتی بر گرایش سیاسی دانش آموزان دبیرستان رودهن، پژوهش اجتماعی، د ۲، ش ۳، صص ۱۶۱ - ۱۷۷.
۲۵. هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، تهران، افکار.

26. Almond, G. & Verba, S. (1993). *Civic Culture*, Princeton University Press
27. Baker, H., Farrelly, G, & Edelman, R. (2010). Factors Influencing on Dividend Policy of Nasdak firms. *Financial Review*. 38, pp. 19-38.
28. Bevelander, P. & Pendakur, R. (2009). Social capital and voting participation of immigrants and minorities in Canada. *Ethnic and Racial Studies*, 32, pp. 101-125.
29. Bourdieu, P. & Wacquant, I. (1992). *An Invitation to Reflexive Sociology*, Chicago. University of Chicago Press.
30. Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. In John G. Richardson, ed. *Handbook of Theory and Research of the Sociology of Education*. New York, Greenwood Press.
31. Burt, R. (2000). The network structure of social capital. *Research in Organ.* 22, pp. 345-482.
32. Coleman, J. (1995). Achievement-Oriented School Design. In: Hallinan, M. T. *Restructuring Schools: Promising Practices and Policies*. Plenum, New York.
33. Coleman, j. (1990). *Foundations of Social Theory*, Cambridge, Massachusetts. Belknap Press of Harvard University Press.
34. Conway. M. (2000). *Political participation in the United States*. Washington, D. C: CQ Press.
35. Fukuyama, F. (2002). *Our Posthuman Future: Consequences of the Biotechnology Revolution*. Publisher: Picador USA.
36. Fukuyama, F. (1997). *Social capital and the modern capitalist economy: creating a high trust workplace*. Stern Bus. Mag. 4 (1), pp. 211-225.
37. Fukuyama, F. (2001). *Social capital, civil society and development*. *Third World Quarterly* 22 (1), pp. 7-20.
38. Gerber, A., Green, S., & Christopher, W. (2008). Social Pressure and Voter Turnout: Evidence from a Large-Scale Field Experiment. *American Political Science Review*, 102.
39. Glynn, C., Huges, M., & Lunney, C. (2009). *The influence of perceived social norms on college students' intention to vote*. *Political Communication*, 26, pp. 121-139.
40. Granovetter, M. (1985). Economic action and social structure: The problem of embeddedness. *American Journal of Sociology*, 91.
41. Henseler, J., Ringle, C., & Sinkovics, R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *New Challenges to International Marketing*. Vol. 20, pp. 277-320.
42. Iyengar, S. & Westwood, S. (2015). Fear and loathing across party lines: new evidence on group polarization. *Am. J. Polit. Sci.* 59 (3), pp. 690-707.
43. Jacoby, W. (2014). Is there a culture war? Conflicting value structures in American public opinion. *Am. Polit. Sci. Rev.* 108 (04), pp. 754-771.

44. Jha, A. & Chen, Y. (2015). *Audit fees and social capital*. *Account. Rev.* 90 (2), pp. 611–639.
45. Jha, A. (2017). *Financial reports and social capital*. *J. Bus. Ethics*
46. Jha, A., Boudreauxb, C., & Banerjee, V. (2018). Political leanings and social capital. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 72, pp 95–105.
47. Jottier, D. & Heyndels, B. (2012). Social capital and government Disentangling the Process at work. In: Marc Hooghe (ed.), *Social Cohesion contemporary theoretical perspectives on the study of social cohesion and social capital*, Koninklijke Vlaamse Academie van België voor.
48. Klesner, j. & Kenyon Colleg (2007). social capital and political participation in latin America. *Latin American Research Review*. 42, pp. 21-32.
49. Knack, S. (2002). Social capital and the quality of government: evidence from the states. *Am. J. Polit. Sci.* 46 (4), 772–785.
50. Lake, L. & Huckfeldt, R. (1998). Social capital, social networks and political participation. *Political Psychology*, 19(3), 567-584 .
51. Lipset, S. & Rokkan, S. (1968). Cleavage Structures, Party Systems and Voter Alignments. Introduction. In *Party Systems and Voter Alignments: Cross- National Perspectives* , ed. by Seymour M. Lipset and Stein Rokkan. *New York: The Free Press*.
52. Paxton, p. (2002). Social Capital and Democracy: An Inter-dependent Relationship. *American Sociological Review*, 67.
53. Putnam, R. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
54. Putnam, R. (2002). *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*. New York: Oxford University Press.
55. Rupasingha, A. & Goetz, S. (2008). US County-Level Social Capital Data. In, University. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*.
56. Smith, E. (2002). The Effects of Investments in the Social Capital of Youth on Political and Civic Behavior in Young Adulthood: A *Longitudinal Analysis*. *Political Psychology*, 20, pp. 34-42.
57. Seligson, Mitchell, A. (2005). Can Social Capital be Constructed? Decentralization and Social Capital Formation in Latin America. In *Developing Cultures: Essays on Cultural Change*, edited by Lawrence Harrison and Jerome Kegan. New York, Routledge.
58. Verba, S., Schlozman, K., & Brady, H. (1995). *Voice and equality: Civic voluntarism in American politics*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
59. Whiteley, P. & Seyd, P. (1996). Rationality and Party Activism: Encompassing tests of Alternative Models of Political Participation. *European Journal of Political Research*, 29. pp. 102-145